

## درس دوازدهم: بیدارگران اسلامی، منورالفکران و روشنفکران غرب زده

### ❖ نخستین بیدارگران اسلامی:

۱. در نخستین برخورد غرب با قدرت های جهان اسلام، این ها از مفاهیم دینی و اسلامی استفاده می کردند.
۲. در چارچوب مناسبات پادشاهی و امپراطوری های قومی و قبیله ای عمل می کردند.
۳. مرعوب قدرت نظامی، نفوذ سیاسی، اقتصادی و جاذبه های کشورهای غربی شده بودند و استقلال کشورهای اسلامی روبه ضعف بود.
۴. اندیشمندان و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با غربی ها تعامل کردند.
۵. دو مفهوم عدالت و فقاقت در حاشیه مناسبات قدرت های قومی، ناتوان مانده بود.

نخستین بیدارگران متوجه خطر کشورهای غربی برای کشورهای خود شده بودند. آنها خواهان اتحاد ملل اسلامی، تشکیل قدرت واحد اسلامی، عزت اسلام و اصلاح رفتار دولت های اسلامی بودند.

راه نجات: بازگشت به اسلام و عمل به آن می دانستند.

### ❖ منورالفکران غرب زده:

۱. شیفته غرب بودند،
  ۲. سازمان یافتن آنها در لژهای فراماسونری
  ۳. خود را بیدارگر می دانستند،
  ۴. معنا کردن بیداری در عبور از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غرب،
  ۵. ترجمه روشنفکری به آدمیت و روشنگری مدرن به منورالفکری. مثل لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان در ایران
  ۶. عدم احساس خطر نسبت به کشورهای استعمارگر و فرصت دانستن حضور سیاسی و اقتصادی آنان
  ۷. خواستار اصلاح رفتار دولت های کشور مسلمان بودند. ۸. اصلاح جامعه را در گرو تقلید از رفتار فرنگیان می دانستند.
  ۹. مفهوم امت برایشان منفور بود. و روی آوردن به ناسیونالیسم غربی.
- \*\*در ایران ناسیونالیسم به ملی گرایی و در کشورهای دیگر شعوبیت معنا شد.

منورالفکران مورد حمایت کشورهای استعمارگر بودند. و غربی ها با کمک این گروه از حرکت نخستین بیدارگران اسلامی جلوگیری می کردند. شیوه ی کار: ابتدا از ضرورت اصلاحات در دولت خود صحبت می کردند. سپس حکومت های سکولار وابسته به غرب در جوامع خود شکل دادند. مثل حکومت رضاشاه و آتاتورک و امان الله خان

### ❖ روشنفکران ناسیونالیست و مارکسیست:

منورالفکران غرب زده: استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش می کرد. مقاومت مردمی را سرکوب می کردند. درهم ریختن نظم به بهانه رسیدن به جایگاه غربی ها بود، اما خصوصیت کشورهای پیرامونی و استعمارزده گرفتند. همین باعث اعتراض نخبگان شد.

جریان چپ: نسل دوم غرب زدگان در کشورهای اسلامی و معترض به حرکت منورالفکران. نوع اعتراض مانند اعتراض چپ

قرن بیستم به عملکرد اقتصادی نظام سرمایه داری بود. فعالیت اینها در **سایه بلوک شرق**. **ایدئولوژی**: اندیشه های ناسیونالیستی، سوسیالیستی، مارکسیستی و التقاطی. با فروپاشی شوروی جذابیت اینها از بین رفت. کشورهای مسلمان طی قرن بیستم یا در حاشیه بلوک غرب یا در حاشیه بلوک شرق بودند.

## درس سیزدهم: انقلاب اسلامی ایران

نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، برای اصلاح در **ساختار حکومت قاجار** به وجود آمدند. عالمان شیعی ارتباط خود را بر اساس **مقاومت منفی** با حکومت قاجار سازمان میدادند.

به دلیل اثرپذیری قاجار از حکومت های استعمارگر و عقد قرارداد استعماری مقاومت منفی به فعالیت رقابت آمیز تغییر یافت.

**مقاومت منفی**: حاکمیت پادشاه نامشروع محسوب شده و همکاری سیاسی با آن در حد واجبات نظامیه (بقای اصل زندگی) انجام

**فعالیت رقابت آمیز**: ورود فعال در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی با هدف رقابت با قدرت حاکم

جنبش **تنباکو**، فعالیت رقابت آمیز را از اصلاح رفتار به **اصلاح ساختار** برد و این مسئله به جنبش **عدالتخانه** منجر شد.

در جنبش عدالتخانه، هدف اصلاح رفتار خاصی از پادشاه نبود، بلکه **اصلاح شیوه زمامداری پادشاه** بود. عدالتخانه به دنبال تاسیس مجلسی بود که قوانین عادلانه را تدوین کند و شاه را ملزم به رعایت قوانین الهی کند. طی تحصنی که در **سفارتخانه انگلستان** رخ داد، منورالفکران که به جنبش پیوسته بودند، نام **مشروطه** را برای آن انتخاب کردند، اما برداشت **عالمان مسلمان** از مشروطه، **مشروط کردن حاکمیت به احکام الهی** بود و مراد **منورالفکران** از مشروطه **نوعی حاکمیت سکولار** بود. در جریان این انقلاب رقابت سختی بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب زده به وجود آمد. پس از **دو دهه کشمکش**، این نزاع با حضور قدرت های استعماری و دخالت انگلستان به **نفع منورالفکران** پایان یافت و حاکمیت آنها به **استبداد استعماری رضاخان** ختم شد.

**نکته**: مشکل عدالت خانه این بود که رفتار عادلانه را به کسانی تحمیل می کرد که با معیارهای الهی قدرت را به دست نیاورده بود و با **شمشیر و قوم** یا **حمایت دولت استعماری** تشکیل حکومت داده بودند. در اندیشه تشیع مشروطه یک نظام آرمانی و مشروع نبود، بلکه نظامی بود که در مقایسه با نظام استبدادی برتری داشت، زیرا شرایط برقراری حاکمیت آرمانی ناممکن بود.

**انقلاب اسلامی**: رهبران دینی مشروطه بعد از شکست، دوباره به **موضع مقاومت منفی** برگشتند و تا شروع انقلاب همین موضع را حفظ کردند. امام خمینی موضع مردم را به **فعالیت رقابت آمیز** تغییر داد که ابتدا در برابر **کاپیتولاسیون** و رفتار استعماری **شاه** بود، اما بعدها تبدیل به حرکت انقلابی شد.

## تفاوت انقلاب اسلامی و انقلاب های آزادی بخش:

جنبش های آزادی بخش در قرن ۲۰ در بسیاری از کشورهای جهان سوم **آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین** شکل گرفتند. عموماً به انقلاب های اجتماعی ختم شدند.

**شباهت** انقلاب اسلامی ایران با این جنبش ها، جهت گیری ضد استعماری یا از بین بردن سلطه سیاسی کشورهای غربی بود.

## تفاوت ها:

انقلاب های آزادی بخش	انقلاب اسلامی
در جهان دوقطبی قرن ۲۰، مورد حمایت یکی از بلوک شرق یا غرب بودند.	انقلاب ایران بر علیه غرب و صهیونیست بود و مورد حمایت شرق هم نبود (شعار: نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی)
اغلب با جنبش های چریکی گروهها و احزاب شکل میگرفتند.	با حرکت یک گروه و حزب پدید نیامد. یک انقلاب فراگیر و مردمی و با رهبری دینی پدید آمد.
اغلب اینها براساس هستی شناسی چپ با هدف حل بحران جهان غرب در حاشیه فلسفه های غربی، انجام می گرفت	این انقلاب از متن عقاید و باورهای اسلامی مردم و براساس آموزه های فقهی و هستی شناسی توحیدی شکل گرفت.
اینها در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می شدند، ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی موفق نبودند	انقلاب اسلامی یک قطب بندی جدید فرهنگی به وجود آورد و در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.

### درس چهاردهم: بیداری اسلامی

در جهان دوقطبی قرن ۲۰، هویت اجتماعی افراد، جنبش ها و انقلاب ها براساس نسبتی که با یکی از دو قطب بلوک شرق و غرب داشتند، شناسایی می شد و اگر جنبش یا انقلابی خارج از دو محور مزبور شکل می گرفت، به آن اهمیتی داده نمی شد.

انقلاب اسلامی نخستین انقلابی بود که پس از انقلاب فرانسه شکل می گرفت. زیرا از متن آرمان های معنوی و توحیدی جهان اسلام برای حفظ هویت اسلامی و برای تامین حقوق از دست رفته امت اسلامی شکل گرفته است. اما هیچ یک از انقلاب ها پس از انقلاب فرانسه یک انقلاب جدید نبودند، بلکه همه آنها در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بودند.

### سه انقلاب، سه نکته:

<p>انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م. براساس آرمان های مدرن پس از رنسانس شکل گرفت، با حیات مجدد سراسر اروپا را فراگرفت.</p> <p>انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷م. دارای رویکرد چپ و سوسیالیستی بود، با خصلت سکولار و دنیوی خود در چارچوب آرمان های روشنگری مدرن عمل می کرد.</p> <p>انقلاب اسلامی ایران، الگوی رفتاری خود را از فقه سیاسی و اجتماعی شیعی گرفت و رفتار اجتماعی خود را بر اساس همان سامان داد.</p>
--

دولتمردان و روشنفکران مسلمان، اغلب با الگو قرار دادن کشورهای غربی و جامعه شناسان غربی به حل مشکل خود می پرداختند.

با دورویکرد: ۱. مسائل جهان اسلام، مشکلاتی بود که در اثر تاخر تاریخی برای رسیدن به جوامع غربی پیش آمده بود

۲. این مسائل، مشکلاتی بود که نظام سرمایه داری و لیبرالیسم غربی به وجود آمده بود. این رویکرد از

نظریه های چپ استفاده می کرد. مثل اندیشه های مارکسیستی و سوسیالیستی.

هریک از کشورها به تناسب این رویکرد در حاشیه بلوک شرق یا غرب قرار می گرفتند. مثل موضع اینها در مورد فلسطین

کشورهای بلوک غرب: به رسمیت شناختن اسرائیل و بلوک شرق: به رسمیت شناختن مبارزان فلسطینی و تشکیل جبهه پایداری و مقاومت، اما پس از مرگ جمال عبدالناصر، در زمان انور سادات دولت مصر در قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به رسمیت شناخت.

گروههای فلسطینی هم یا مارکسیستی بودند که ارزشی برای باور دینی قائل نبودند یا ناسیونالیست که از موضع قوم گرایی عربی به اسلام می نگریستند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>● ساقط کردن مهمترین حامی اسرائیل در منطقه (شاه) و ارائه مسیری برای مبارزه با صهیونیسم</li> <li>● مبارزه با صهیونیسم (مسئله جهان اسلام) و مخدوش کردن مشروعیت قرارداد کمپ دیوید و حرکت توحیدی دانستن مبارزه با صهیونیسم</li> <li>● قتل انور سادات توسط اسلام خواهان مصر و شکل گیری انتفاضه در فلسطین</li> <li>● شکل گیری جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق</li> <li>● تشکیل جبهه نجات اسلامی (۱۹۸۹) در الجزایر و پیروزی اسلام گرایان در انتخابات (۱۹۹۰)</li> <li>● تاثیر در شکل گیری انقلاب ها از سال ۱۳۸۹ در کشورهای عربی</li> </ul>	<p><b>تأثیرات</b></p> <p><b>وقوع</b></p> <p><b>انقلاب</b></p> <p><b>اسلامی</b></p>
--	--

#### بیداری اسلامی:

سلسله قیام و انقلاب مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹ ه.ش باعث سقوط قدرت سیاسی در ۴ کشور شد. دولت های غربی تلاش کردند که اینها را بخشی از فرایند غربی شدن کشورهای عربی یاد کنند و آن را بهار عربی نامیدند. بیداری اسلامی حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به متن مردم و فرهنگ عمومی جامعه اسلامی است و اگر در سطح جوامع اسلامی تحقق پیدا کند، به سوی نظامی حرکت می کند که بر مدار فقاقت و عدالت سازمان می یابد.

#### جغرافیای فرهنگی جهان جدید:

انقلاب بر اساس آموزه های اسلام به دنبال: ۱. پاسداری از عزت و اقتدار اسلام، ۲. دفاع از محرومان و مستضعفان جهان است و فطرت الهی را مورد خطاب قرار داده و حل مشکلات معنوی بشریت را در محدوده رسالت خود می داند.

\* اقدامات غرب برای مقابله با انقلاب اسلامی: کودتای نوژه، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران

\* در جنگ ایران و عراق همه کشورهای اروپایی و بلوک شرق وحدت راهبردی داشتند. همه امکانات خود را در اختیار عراق گذاشتند. در حالی که ایران تحریم بود.

\* مقاومت ایران در دهه نخست موقعیت بلوک شرق را متزلزل ساخت و موقعیت تاریخی اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی تثبیت کرد.

\* کشورهای غربی در نخستین نظریه پردازی های خود به دنبال آن بودند تا فروپاشی بلوک شرق را به شکل گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب معنا کنند، اما انقلاب اسلامی بر این نظریه خط بطلان کشید.

\*مطرح شدن **جنگ تمدن ها** توسط **ساموئل هانتینگتون** ضمن اعتراف به قطب بندی جدید فرهنگی تمدن اسلامی را در عرض تمدن های دیگر قرار داد. و رویکرد خصمانه غرب به جنبش های اسلامی آشکار شد و هراسی که پس ج ج دوم نسبت به شرق بود، متوجه اسلام شد.

### 📌 فعالیت های دنیای غرب برای مقابله با جهان اسلام و حفظ موقعیت خود:

۱. مقابله نظامی و سیاسی از طریق **حضور مستقیم**؛ در مورد عراق و افغانستان

۲. **تحریم اقتصادی** از طریق سازمان های بین المللی؛ در ایران

۳. **تبلیغ معنویت سکولار** و کاذب برای پر کردن خلا معنوی فرهنگ غرب

۴. نشان دادن **چهره ی خشن و غیرعقلانی** از فرهنگ اسلامی از طریق شکل دهی جریان تروریستی وهابی

۵. **تفسیر سکولار** از اسلام و حمایت از اسلام آمریکایی نسبت به انقلاب اسلامی

۶. **مدیریت جنگ رسانه ای** در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام

۷. ایجاد **اختلافات فرقه ای-مذهبی** برای تضعیف اسلام

